

شکل ۷۴ - درفش رسمی دولت
ایران در فاصله سالهای ۱۳۲۴ -
۱۳۱۸ ه . ق .

شکل ۷۵ - درفش دو حاشیه که
برای مدت بسیار محدودی در
دوره مشروطیت معمول و منسوخ
گردیده است .

تاریخچه می‌تعمیرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران

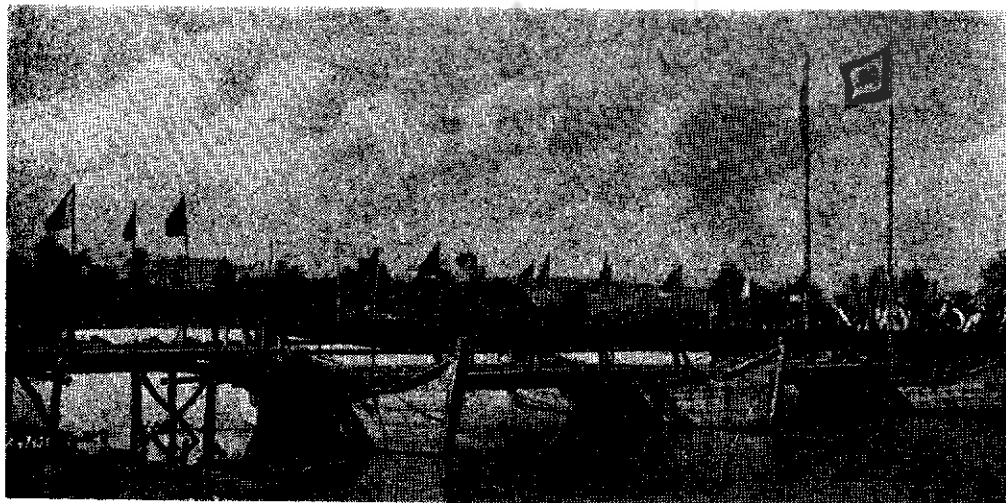
از افازنده سیر و سیم همبر سر تا امروز

۴

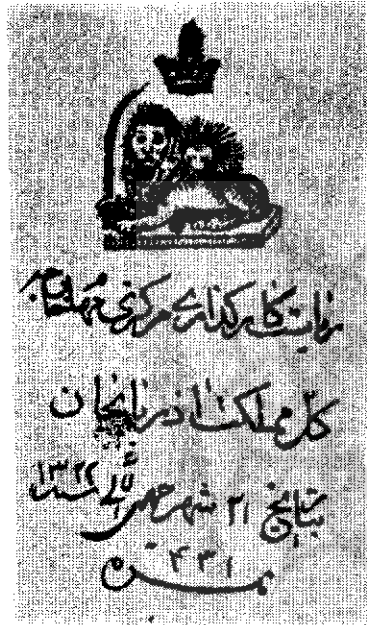
یحیی ذکاء

سنن قدیمی و تشریفات و مقررات مخصوصی که در سازمانهای دولتی و درباری دوره‌ی سلطنت ناصرالدین‌شاه وجود داشت در دوره‌ی سلطنت مظفرالدین‌شاه و تا چندی پس از آن، دربرخورد با نظامات جدید اروپایی که کم‌کم در ایران رسوخ می‌یافت، بهم‌خورده از میان رفت و بدین سبب در امور مختلف مملکتی یک نوع اختلال و آشفتگی پدید آمد که در موضوع مورد بحث ما یعنی وضع درفش و شیر و خورشید نیز بی‌تأثیر نبود، از آن جمله چنانکه قبلاً هم گفته‌ایم، فرق و امتیازی که سابقاً بین شیر و خورشید نشسته‌ی بدون شمشیر و شیر و خورشید ایستاده‌ی با شمشیر در امور کشوری و لشگری قائل بودند از میان برخاست و تنها وزارت امور خارجه و برخی وزارت‌خانه‌های دیگر (پست و تلگراف) که از سایر وزارت‌خانه‌ها سابقه‌دارتر و محافظه‌کارتر بودند همچنان در سرنامه‌ها و اوراق رسمی خود اغلب از شیر و خورشید و شیر نشسته، استفاده می‌کردند. شادروان کسروی در «تاریخچه‌ی شیر و خورشید» درباره‌ی این موضوع با تردید چنین نظر داده که: «... گویا برخی دولتیان می‌ترسیده‌اند که از سر با ایستادن شیر و شمشیر بدست گرفتن آن، گمان جنگجویی بدولت ایران رود و آن را باحال ناتوانی دولت سازگار نمیدیده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



این کارت پستال که پس از نوشتن مطالب مربوط به درفش‌های دوره‌ی مظفرالدین‌شاه بدست نویسنده رسیده است، مظفرالدین‌شاه را در سفر سال ۱۳۳۰ هـ. ق. هنگام عبور از گشتی به آستارای روس نشان میدهد. درفش‌ی که در این تصویر نمایانست و از طرف دولت روس بافتخار ورود شاه ایران برافراشته شده است در چهار طرف حاشیه‌ی بزرگ سبز دارد و چنین پیداست که در این زمان نیز درفش رسمی قاعده و قانونی نداشته و دل‌بخواهی بوده است.



شکل ۷۷، بالا راست: تصویر درفش ایران از لاروس کوچک که در سال ۱۹۰۷ چاپ شده است

شکل ۷۸، بالا چپ: آرم دولت ایران از لاروس کوچک چاپ ۱۹۰۷ میلادی

شکل ۷۹

از این رو با سیاست راه رفته بروی نامه‌های وزارت خارجه و همچنان بروی برخی سکه‌ها شیر خوابیده و بی‌شمیر می‌نگاشته‌اند. چنانکه همین رفتار در وزارت خارجه تا پیش از زمان رضاشاه پهلوی نگه داشته شده بود و شیرها بروی نامه‌های آن وزارت خوابیده و بی‌شمیر نگاشته می‌شد»^{۴۷}. آقای سعید نفیسی در کتابچه‌ی خود درین مورد نوشته‌اند: «در آغاز دوره‌ی قاجاریه امتیازی در میان شیر ایستاده و شیر خفته نبود ولی اندک اندک چنان می‌نماید که شیر ایستاده بیشتر رایج شده و آنچه معروفست و پیران ما نیز حکایت کرده‌اند اینست که در زمان ناصرالدین‌شاه شیر ایستاده را در موارد عمومی بکار بردند و شیر خفته را تنها برای وزارت امور خارجه نگاه داشتند، شاید برای آنکه در آغاز در علائم دولتی که در خارج از ایران بکار برده بودند شیر خفته معمول بوده است»^{۴۸}.

آقای نیر نوری در مقاله‌ی خود در اطلاعات ماهانه چنین آورده: «اما چیزی که مسلم است مدت‌ها علامت دولت ایران بخصوص شیر و خورشیدی که بالای نامه‌های وزارت امور خارجه و پست و تلگراف زده می‌شد شیر خفته و بدون شمیر بود و این رسم تا این اواخر نیز ادامه داشت...».

۴۷ - تاریخچه‌ی شیر و خورشید چاپ دوم ص ۲۶ .

۴۸ - درفش ایران ص ۷۸ .

آنچه باید درباره‌ی دو نظر بالا بگوییم این است که اولاً برخلاف نوشته آقای نفیسی اتفاقاً فقط در اوایل دوره‌ی قاجاریه (دوره‌ی محمدشاه و ناصرالدین‌شاه) بوده که امتیازی در میان شیر ایستاده‌ی باشمشیر و شیر نشسته‌ی بی‌شمشیر نهاده می‌شده است و این بعدها بوده که فرق آن دو از میان رفته و کم‌کم تنها شیر ایستاده رواج یافته است و انگهی برخلاف تصور آقایان، استفاده از شیر نشسته در سرنامه‌های وزارت امور خارجه نیز چندان کلیت و عمومیت نداشته و امر ثابت و مسلمی نبوده است زیرا بنا بر مدارک موجود گاهی در اوراق رسمی وزارت امور خارجه از شیر ایستاده و یا شیر نشسته‌ی شمشیردار (ش ۷۹) نیز استفاده می‌شده است، و تنها شاید بتوان گفت که اغلب در مهرهای وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی، که تاحدی تعویض آنها دیر بدیر انجام می‌گرفت، بنا بر سنت قدیمی، نقش شیر نشسته و بی‌شمشیر نگاشته می‌شده است و این موضوع نیز با مراجعه بتاریخ مهرهای زیر یا پشت نامه‌ها بخوبی آشکار می‌گردد.

شکل ۸۱



شکل ۸۰



برای نمونه، در این صفحه تصویر شیر و خورشیدی بچاپ رسیده که از بالای تلگرافی که مطلب آن در سال ۱۳۲۲ ه. ق. از رشت به تبریز مخابره گردیده، برداشته شده است و لی مهر «تلگرافخانه مبارکه» که زیر همین تلگرام نهاده شده نقش شیر و خورشید نشسته و بدون شمشیر دارد. باز در همین صفحه تصویر شیر و خورشیدی را می‌بینید که در بالای ورقه‌ی «تذکره مرور» (گذرنامه) که در تاریخ ۱۳۳۴ ه. ق. صادر شده، نقش گردیده است و این شیر و خورشید از آن جهت که تاج کیانی آن را نزدیک به حقیقت رسم کرده‌اند بسیار جالب است و لی در همین تذکره نیز مهر وزارت امور خارجه که با آن تمبر شیر و خورشید را باطل کرده‌اند نقش شیر نشسته‌ی بدون شمشیر دارد و از طرف دیگر در همین تذکره دیده می‌شود که مهر کنسولگری ایران در شهر سن پترزبورگ که در پشت آن زده شده است نقش شیر و خورشید ایستاده با شمشیر و تاج دارد. از همین يك ورقه گذرنامه نیز حتی ما می‌توانیم قیاس نماییم که در این دوره‌ها تاجچه اندازه رشته‌ی نظم امور گسیخته بوده و در طرز استعمال علائم دولتی اختلال بوجود آمده بوده است. قطعه‌ی کارت پستی رنگین در دست‌هاست که تصویر سردر و جلوخان، «باب همایون»

را از سمت خیابان الماسیه نشان میدهد. در این تصویر، در بالای طاقنمای هلالی سردر، درفش بزرگی در اهتزاز است که دارای متن سفید و حاشیه ملمع از سرخ و سبز است و در وسط آن شیر و خورشیدی دیده می‌شود که قرص خورشید بصورت دایره‌ی کامل، با فاصله‌ی بیشتری از شیر قرار گرفته است. آقای حمید نیر نوری این درفش را از زمان ناصرالدین‌شاه دانسته و در مقاله‌ی خود نوشته‌اند: «بیرق ایران در زمان ناصرالدین‌شاه خیلی شبیه به بیرق زمان محمدشاهست و دور بیرق دونوار باریک قرمز و سبز دیده می‌شود ولی زمینه‌ی بیرق تفره‌ای یا سفید بوده و در وسط آن علامت شیر و خورشیدی زرین منتهی کوچکتر از شیر و خورشید بیرقهای محمدشاهی نقش است». نویسنده به چند دلیل - با نظر آقای نیر نوری موافق نبوده و این درفش را از زمان ناصرالدین‌شاه نمی‌دانم:

یکی بدلیل این که چنین درفشی در میان درفشها و علمهایی که تا کنون از دوره‌ی ناصرالدین‌شاه شناخته‌ایم، دیده نمی‌شود و سایر آثار آن زمان نیز بر بودن و استعمال چنین درفشی دلالت نمی‌نمایند. دوم بدلیل خود عکس که در آن، درختان کهن و بزرگ چنار، چنان سایه‌یی در خیابان الماسیه انداخته است که بجز قسمت جلوخان باب همایون و ادامه‌ی خیابانهای «نایب‌السلطنه» و «درب‌اندرون»، همجا را پوشانیده است، در صورتی که با توجه به نقاشی محمودخان ملك الشعرا از این خیابان در سال ۱۲۸۸ ه. ق.، معلوم می‌شود در آن سالها که این خیابان تازه احداث گردیده بوده، هنوز چنارهای کنار جویهای آن کاشته یا بزرگ نشده بوده است و بالطبع، حتی تا آخرین سالهای سلطنت ناصرالدین‌شاه نیز نمی‌توانسته چنان سایه‌ی وسیعی داشته باشد که تمام سطح خیابان را بپوشاند. بنابراین این عکس در زمان ناصرالدین‌شاه انداخته نشده است. سوم آنکه چاپ کارت‌های پستی رنگین در زمان ناصرالدین‌شاه هنوز معمول نبوده و کارت‌های رنگین با سیمی از مناظر و رجال آن زمان، از عهد مظفرالدین‌شاه در ایران معمول گردیده است.^{۴۹}

چهارم، در عکس روشنتری از این منظره که نویسنده در اختیار دارد، تاحدی بوضوح دیده می‌شود که در وسط در بزرگ، محمدعلی میرزا با قد کوتاه و گردن کشیده و لباس و کلاه تیره رنگ و جقه و تل، دست در کمر بند ایستاده و در پشت سر او شخصی با ریش سیاه و لباس سفید (که شاید امیربهدار باشد) با دستهای آویخته و حالت احترام قرار گرفته است. آخرین دلیل این که در قاموس مصور عثمانی تألیف علی سیدی و چند تن از فضلاء معروف عثمانی که بسال ۱۳۳۰ ه. ق. در استانبول چاپ گردیده ولی مقدمه‌ی آن در ۲۸ کانون اول سنه‌ی ۱۳۲۷ ه. ق. نوشته شده است، در ضمن معرفی درفشهای گوناگون کشورهای جهان، در صفحه‌ی ۱۷۸ درفش ایران را با متن سفید و حاشیه‌ی سرخ و سبز یعنی بهمان شکلی که در سر در باب همایون افراشته شده، نشان داده است. در وسط یکی شیر و خورشید زرد رنگی نقش و در زیرش نوشته شده «بکلك» یعنی دولتی و در زیر دیگر که بدون شیر و خورشید است نوشته «تجار» حال اگر ما چنین تصور بکنیم که این درفش مربوط به چند سال پیش از تألیف قاموس بوده است، باز تا زمان ناصرالدین‌شاه بسیار فاصله پیدا می‌کند و انگهی این نیز پذیرفتنی

۴۹ - این کارت پستال چنانکه در زیر آن نیز چاپ شده، یکی از بیست و سه قطعه‌ی کارتی است که گویا از مناظر تهران آن زمان تهیه گردیده بوده است و حروف اختصاری نام شخص یا بنگاهی که آنرا چاپ و منتشر کرده بصورت حرف S بزرگی است که در انتهای بالایی آن حرف E و در انتهای پایینی آن حرف S کوچکی نوشته شده است.

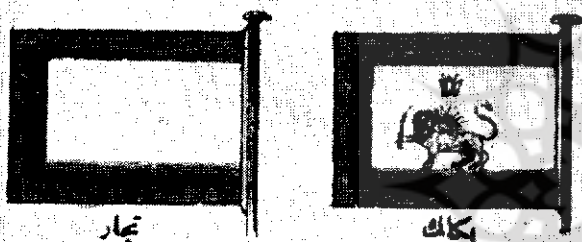
چون در حاشیه و زیر کارت پستالهایی که از مناظر دوره‌ی مشروطه عکس برداری گردیده و در دسترس نویسنده هست اغلب عنوان: «Société Econome, Cliché Stépanian» مشاهده می‌گردد از اینرو گمان می‌رود علامت مذکور نیز از حروف اول این عنوان بوجود آمده است و همچنین در پشت کارت‌های دیگری که این علامت بر روی آنها بچاپ رسیده، محل چاپ یا نشر «تهران، تیمچه‌ی موسی جواهری» قید گردیده که می‌تواند کلیدی برای حل این موضوع بشمار آید.

شکل ۸۲



شکل ۸۳ - تصویر درفش دو حاشیه دولت ایران از قاموس عثمانی

ایران



نیست که نویسندگان فاضل قاموس مهمی که باید آخرین اطلاعات را در این زمینهها بدست آورده در کتاب خود بگنجانند از کشور همسایه‌ی خود ایران آن چنان بی‌خبر باشند که در سال ۱۳۲۷ یا ۱۳۳۰، درفش زمان ناصرالدین‌شاه را بعنوان درفش دوره‌ی مشروطه معرفی نمایند.

اگر باز هم فرض نماییم که نویسندگان قاموس عثمانی از وضع داخلی ایران و از نهضت مشروطه و تغییرات درفش ایران پاك بی‌خبر بوده‌اند، بناچار لااقل هفته‌ی یکبار که این درفش را در بالای ساختمان سفارت‌خانه‌ی ایران در استانبول می‌دیدند، پس چه‌گونه ممکن است بپذیریم که آنها چنین اشتباه بزرگی را مرتکب شده در کتاب خود درفش دوره‌ی ناصرالدین‌شاه را بعنوان درفش سالهای ۳۰ - ۱۳۲۷ معرفی کرده‌اند.

بنابراین دلایل فوق دیگر شکی باقی نمی‌ماند که این درفش مربوط بزمان ناصرالدین‌شاه نیست و مربوط بهمان سالهای ۱۳۲۶-۱۳۲۷ (زمان تألیف قاموس) هجری قمریست که محمدعلی میرزا با خود کامگی بر سر کار بوده است.

اما در مورد ایجاد و منسوخ شدن این درفش شاید بتوان گفت که چون محمدعلی میرزا بعزت مخالفت با مشروطه‌خواهان، به قانون اساسی و مصوبات مجلس شورای ملی وقعی نمی‌گذاشته است، در زمانی که علناً بمخالفت با مشروطه‌خواهان برخاسته بوده در برابر درفش ملی مصوب مجلس شورای ملی، این‌گونه درفش را برای دستگاه خود انتخاب کرده بوده که چند صباحی در میان هواخواهان او متداول شده و سپس با عزل و بیرون رفتن او از ایران، آن نیز منسوخ گشته، از یادها رفته است.